نشریه علمی اندیشه نوین دینی
دوره ۱۷، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۶۷
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۴۲ ـ ۲۳

Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
Vol. 17, Winter 2022, No. 67
Scientific Research Article

آسیب‌شناسی تبیین گزاره‌های دینی حوزه زنان از منظر عقل منطقی

فرانک بهمنی*

چکیده

اسلام کامل‌ترین پیام الهی است که هویت ارزشمند زنان را معرفی و جایگاه انسانی آنان را اعتلا بخشید. اما تعصب‌های جاهلی و فقر معرفتی سبب تحریف معنا و تفسیر نادرست گزاره‌های دینی و آسیب جدی به فهم حقایق دینی در حوزه‌ی زنان و انطباق آن با مقتضات زمان گردید. از این رو مساله این تحقیق شناسایی آسیب‌های تبیین گزاره‌های دینی حوزه‌ی زنان از منظر عقل می‌باشد؛ که با رویکرد عقلانی و با استفاده صحیح از داده‌های منطقی در مواجه با احادیث، موجب تبیین درست گزاره‌های دینی و رد روایات جعلی و تفاسیر نادرست می‌گردد. یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از لزوم کاربست منطق و روش‌های عقلانی در تبیین و فهم درست گزاره‌های دینی است که در این پژوهش به روش تحقیق اسنادی ـ تحلیلی انجام شده و با رویکرد مستقیم به مساله، آن را واکاوی نموده و به تحلیل عقلانی و منطقی آن پرداخته‌است.

واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی، گزاره‌های دینی، زنان، عقل، منطق.

---

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یاسوج،
fbahmani@mail.yu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

طرح مسئله

پس از انقلاب اسلامی و در دهه‌های اخیر ایران، شاهد رویکـرد افزایشـی افـراد نسـبت بـه آمـوزه‌هـای اسلامی و اجرای آنها در ساختار زندگی فردی و اجتماعی هستیم. مهم‌ترین راه دستیابی به پیام الهـی در گزاره‌های دینی نیز تفسیر درست و فهم صحیح آنهاست؛ چراکه تفسیر به رأی و کـج‌فهمـی آمـوزه‌هـای دین، دست انسان را از هدایت الهی کوتاه، و موجبات گمراهی او را فراهم می‌آورد. با توجه به این مسـئله آسیب‌شناسی گزاره‌های دینی حوزه بانوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا اولاً زنان، قشـر هـادی و تأثیرگذار جامعه‌اند که سلامت و سعادت جامعه به سلامت آنها بستگی تام دارد. (ر.ک: خمینی، بی‌تـا: ۷ / ۳۴۲ ـ ۳۳۸) دوّم اینکه تفسیر سلیقه‌ای و منطبق بر منافع فردی گزاره‌های دینی در حوزه زنـان، آنهـا را دچار پارادوکس‌های غیر قابل جدایی در موازین دینی نمـوده اسـت کـه موجـب سـرگردانی و درنهایـت رویگردانی آنها از اجرای حداکثری دین در زندگی می‌گردد.

از سوی دیگر استفاده فراگیر از رسانه‌های جمعی و همچنین تبلیغات گسترده جریان‌هـای فمینیسـتی که با هرگونه دین‌داری حقیقی در تضاد و تخالف‌اند، موجب جذب حداکثری این بانوان سرگردان شـده و آنها را از بی‌تفاوت بودن نسبت به اجرای دستورات دینی به مخالف تبدیل کرده است. بدین جهت تبیـین صحیح گزاره‌های دینی مرتبط با بانوان، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد تا ضمن دفـاع از دیـدگاه انسـانی اسـلام نسبت به بانوان، تفسیر صحیح، جایگزین تبیـین‌هـای نادرسـت گـردد و از سـقوط در ورطـه تفسـیرهای سلیقه‌ای برای توجیه گزاره‌های به ظاهر زن ستیز، جلوگیری شود.

در فرهنگ اسلام، بین عقل و دین رابطه‌ای متقابل وجود دارد تا جایی که در فرایند اجتهاد و استنباط احکام، عقل در کنار قرآن و سنت قرار داده شده و به طور مکرر به حجیت عقل و ارزش آن تأکیـد شـده است. حدیث امام صادق‌علیه‌السلام که فرموده‌اند: «هرکس عاقل اسـت، دیـن دارد و کسـی کـه دیـن دارد، بـه بهشت می‌رود.» (کلینی، بی‌تا: ۱ / ۱۱) بیانگر جایگاه ویژه عقل در فرهنگ اسلامی است که قادر است با دقت و امعان نظر درست و نادرست را از هم جدا کند. همچنین ایشان در جای دیگری فرموده‌اند: «پـس بندگان خدا با عقل، خدای خویش را شناختند و به‌واسطه آن، کـار پسـندیده و زیبـا را از ناپسـند و زشـت تشخیص دادند». بنابراین در این پژوهش از منظر عقل به آسیب‌شناسی روایات این حوزه پرداخته شده تا حقیقت پیام معصوم که واسطه پیام الهی است با بدفهمی‌ها و کژاندیشی‌های تعمدی و غیر تعمدی آلـوده به کذب و جعل نگردد و راه روشنی برای بازشناسی حقایق حـوزه زنـان در اختیـار جوینـدگان بـی‌طـرف حقیقت باشد.

بنابراین منظور از عقل در پژوهش پیش‌رو، عقل نظری در معنای عام آن مـی‌باشـد و تحلیـل‌هـا بـه

هیچ‌یک از نحله‌های عقل‌گرایانه وابستگی ندارد. مسلم است که مقصود از عقل در احادیث ذکر شده نیز عقل در معنای عام آن می‌باشد که علم منطق برای بازداشتن آن از خطا وضع شده است.

اگرچه برخی پژوهشگران در حوزه علوم قرآنی و فقه به این مسئله پرداخته‌اند اما رویکرد اغلب آنها یا درون دینی بوده و یا از منظر حقوقی و روان‌شناسی مسئله را مورد تحلیل قرار داده‌اند. پژوهش پیش‌رو درصدد است از منظر دیگری به این مسئله بپردازد که علاوه بر متخصصین در فقه و علوم قرآنی، ... سایر افرادی که با علم منطق آشنا هستند و در برخورد با مسائل، بجای پیروی از احساسات محض به تحلیل عقلی می‌پردازند نیز قادر باشند تا حدی سره را از ناسره بازشناسند. بدین جهت در این پژوهش از منظری عقل‌گرایانه آسیب‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنچه در این پژوهش مهم است آسیب‌شناسی برای ارائه رویکرد صحیح در خوانش و فهم احادیث در حوزه بانوان برای آحاد جامعه است.

روش این پژوهش، اسنادی ـ تحلیلی است که با رویکرد مستقیم، مسئله مورد واکاوی و تحلیل عقلانی قرار گرفته است.

علل تبیین نادرست گزاره‌های دینی مرتبط با زنان

آیات و روایات حوزه زنان در بستر تاریخ، گرفتار آسیب‌ها و بدفهمی‌های بسیاری شده است. این آسیب‌ها تأثیر شایانی در تحریف پیام الهی درباره زنان داشته است. مهم‌ترین علت‌هایی که منجر به آسیب در فهم و تبیین برخی گزاره‌های دینی مربوط به زنان شده‌اند، عبارتند از:

۱. غفلت از شرایط موضوع در حکم قضیه حقیقه

اسلام دینی جاودانه است که احکام آن محدود به زمان و مکان خاصی نیست. «حلال محمّدﷺ حلال الي یوم القیامه و حرام محمّد، حرام الي یوم القیامه». (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۳۰ / ۱۹۶) بنابراین گزاره‌های دینی ازجمله قضایای حقیقه هستند که حکم آنها شامل افراد موجود و مقدّر است. (ملاصدرا، ۱۳۶۲: ۲۷۴ ـ ۵)

نکته مهم در قضایای حقیقه باقی بودن موضوع با حفظ شرایط است، لذا با از بین رفتن موضوع یا تغییر شرایط موضوع، حکم در قضیه نیز تغییر می‌یابد. (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ ق: ۱۴۳) به‌عنوان مثال حکم در گزاره «آب در صد درجه می‌جوشد» حقیقه است و شامل تمام آب‌ها اعم از موجود و مقدر می‌گردد امّا جوشیدن آب در صد درجه مقید به شرط درجه سختی آب به میزان معین و ارتفاع آن از سطح دریا است. چنانچه این شرایط تغییر نماید، درجه جوشیدن آب نیز تغییر می‌یابد. در موضوع بحث این پژوهش بسیاری از گزاره‌های دینی در حوزه زنان گرچه از قضایای حقیقه هستند امّا شرایط موضوع با توجّه به گذر زمان تغییر یافته است بنابراین حکم در قضیه شامل زنانی که شرایط موضوع را ندارند نمی‌گردد.

به عنوان نمونه روایت معروف مولا امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرمایند:

> فاتّقوا شرار النساء و کونوا من خیارهنَّ علي حَذَرٍ و لاتُطیعوهُنَّ في المَعروف حتي لایطمعنَ في المُنکر. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۱۷۹)
>
> پس از زن‌های بد بپرهیزید و از خوبانشان برحذر باشید، و در گفتار و کردار پسندیده نیز از آنها پیروی نکنید تا در گفتار و کردار ناشایسته طمع (پیروی شما را) نداشته باشند.

مبتنی بر این واقعیت است که زنان در آن زمان دچار فقر معرفتی بوده و ملبس به ارزش‌های اخلاقی و معنوی نبودند زیرا از علم و دانش بی‌بهره بودند، و تربیت آنان براساس خدمت به مردان صورت می‌گرفت و درک روشنی از مسائل اقتصادی، سیاسی و مانند آن نداشتند. (ر.ک: سائلی، ۱۳۷۹: ۱۹۹؛ ابن‌بابویه، بی‌تا: ۲ / ۱۶۰) علاوه بر این شرایط، زن موضوع قضیه حقیقیه در کلام مولا است. مسلم است که زنانی با این سطح از فقر معرفتی، علمی و فرهنگی، مشاوران سلیمی نیستند پس اگر در مورد نادری هم مشاوره درست دادند، پیروی از آنها موجب تشویش، و ادامه رفتار می‌گردد و توقع و انتظار مشاوره در امور دیگر را پیدا می‌کنند. (صلیبا، بی‌تا: ۲۲۰)

زنان در عصر معاصر از جهت علمی، فرهنگی رشد قابل توجّهی پیدا کرده‌اند و میان زنان و مردان در توانایی‌های معرفتی و فرهنگی تفاوتی قابل توجهی وجود ندارد. بنابراین شرط موضوع در بسیاری از زنان امروزی وجود ندارد و حکم نیز مربوط به این دسته از بانوان و زنان فرهیخته نمی‌باشد. چنانچه کماکان اگر در این زمان نیز زنی باشد که در فکر و عمل مانند زنان جاهلیت باشد موضوع و شرط هردو هستند پس حکم نیز در قضیه حقیقیه شامل آنان می‌گردد.

۲. بررسی روایات منفک از سبب صدور

سبب صدور در منطق عقل، شرط قضیه است. لذا فهم صحیح کلام وابسته و مشروط به فهم سبب صدور است؛ به عبارت دیگر هنگامی که سخن معصوم علیه السلام تحت شرایط خاصی بیان گردد یا در پاسخ به سوال معلومی منعقد شده باشد، شرایط معهود یا سوال پرسشگر شرط قضیه و پاسخ آن جواب شرط است. (مظفر، ۱۴۰۸ ق: ۱۳۳ ـ ۱۳۱) بنابراین عمل به این روایات هنگامی صحیح و سنجیده است که شرط نیز محقق باشد. در بسیاری از گزاره‌های دینی، کشف سبب صدور، موجب فهم کامل مطلب و تعیین‌کننده مصداق آن خواهد بود. همان‌گونه که در مباحث عقلی، سبب صدور از مدالیل التزامیه قضیه (گزاره) می‌باشد. (ر.ک: ملاصدرا، ۱۴۱۰ ق: ۱ / ۳۱۳)

برای روشن شدن ارتباط سبب صدور با تبیین صحیح، می‌توان به کلام ملاصدرا هنگام تبیین صفت

حکمت خداوند متعال استناد کرد، ملاصدرا صفت حکمت را این‌گونه تبیین می‌نماید:

... تطلق علي كل كامل في علمه و عمله فالأن أمعن النظر في أفعاله المحكمه و علمه التام الذي هو سبب صدور أفعاله نظرا شافيا ... . (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۷۳)

سبب صدور عمل حکیمانه، علم تام الهی است. در این گزاره علم سبب صدور و شرط بروز حکمت الهی است و تبیینی بر معنا و مفهوم حکمت در ذات اقدس خداوند است. بدین‌جهت انسان عاقل وقتی بداند سبب صدور فعل حکیمانه، علم است؛ سعی می‌کند برای حکیمانه عمل کردن به علم خود بیافزاید. در مورد بحث نیز دانستن سبب صدور موجب می‌گردد فرد علت صدور کلام را کشف کند و در معنای صحیح آن را به‌کار گیرد.

روایات متعددی وارد شده است که محتوای آن در برگیرنده این مضمون است که در ازدواج، زن زشت روی زایا بر زن زیبای نازا ارجعیت دارد. (ر.ک: بروجردی، بی‌تا: ۲۵ / ۱۸۱ ــ ۱۷۵) مسلماً پیامبر اسلام که «رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء / ۱۰۷) است برای زنان عقیم، حق تشکیل خانواده و ازدواج قائل است و با مراجعه به آیات و روایات متوجه می‌شویم که سبب برتری و فرهیختگی انسان‌ها نسبت به یکدیگر تقوای آنان است نه زایا بودن و نازا بودن. امّا در مواردی که افراد در انتخاب محدودیت داشتند و از پیامبر درخواست راهنمایی می‌کردند، پیامبر آنان را راهنمایی می‌فرمود. در این موارد، از روایت جواب شرط محذوف است؛ در مثال مورد بحث، شرط محذوف این است: اگر ازدواج محدود به انتخاب بین دو فرد یکی نازیبا و زایا و دیگری زیبا و نازا باشد فرد زایا اگرچه نازیبا باشد نسبت به نازا ارجحیت دارد. احادیث دیگری نیز از پیامبر اکرمﷺ نقل شده است که مسائلی چون ایمان، اخلاق، اصالت خانوادگی و ... را بر زیبایی ظاهری ارجح دانسته‌اند. سوال سائل در اینجا شرط و پاسخ پیامبرﷺ جواب آن شرط است. اگر سؤال این بود که بین زن مؤمن و عفیفه نازا و زن غیرمؤمن و زایا کدام را انتخاب کنم؟ مسلماً جواب متفاوت می‌بود. سخن پیامبر در مواجهه با چنین شرایطی راهنمای افراد است، جهت کسب قدرت تشخیص و ترجیح هنگام تردید. به‌هر حال، مبرهن است که دانستن سبب صدور موجب فهم و تنقیح مطلب و انتخاب طریق صحیح می‌گردد.

برداشت منطقی دوم از روایت با توجه به سبب صدور این است که اگر بانویی قبل از ازدواج اعلام نمود که حاضر نیست فرزند بیاورد همان‌گونه که اکنون برخی شرط می‌کنند که فقط یک فرزند می‌آورند، فردی با این طرز تفکّر در اولویت ازدواج نیست. همچنان‌که در روایات صفاتی را برای مردان برمی شمرد و توصیه می‌شود با این مردان ازدواج نکنید.

۳. نادیده‌انگاری مطابقت با قرآن

این مطلب آشکار و روشن است که معصومین شارحان و مفسران اصلی قرآن و پیام الهی هستند، بدین‌جهت رابطه قرآن با سنت معصومین یا باید عموم و خصوص مطلق باشد و یا تساوی، در هر دو صورت از منظر عقل، محال وقوعی است که سخن و سنت پیامبر و معصومین مخالف با قرآن باشد. دراین‌باره پیامبر اکرم در منی سخنرانی کرده و به این حقیقت اشاره فرموده‌اند:

> ای مردم آنچه از جانب من به شما رسید و موافق قرآن بود آن را من گفته‌ام و آنچه به شما رسید و مخالف قرآن بود آن را من نگفته‌ام. (کلینی، بی‌تا: ۱ / ۲۰۳)

امام صادق نیز فرموده‌اند: «هر حدیثی که موافق قرآن نیست، باطل است و تقلّب». (همان: ۲۰۱)

بنابراین روایاتی که با نص قرآن متناقض‌اند و یا با آیات قرآن کریم رابطه عموم و خصوص من وجه دارند به‌هیچ‌وجه سخن معصومین نیستند. خود پیامبر نیز فرموده‌اند: «خبر مخالف قرآن را به دور اندازید». (همان: ۳ / ۸۱۰) بنابراین گزاره‌هایی که محتوای آنها بیانگر این مفهوم است که مشکلات جسمانی زنان عامل دوری آنان از خدای متعال، و سبب نداشتن ایمان کامل و درنتیجه دوری از مقام قرب الهی است، به آیات قرآن کریم عرضه می‌گردد. آیات یکم تا یازدهم سوره مؤمنون ملاک ایمان را عملکرد انسان‌ها برمی‌شمرد و اختصاصاً بیان داشته که ویژگی نماز مؤمنان خاشعانه بودن آن است نه کثرت آن. آیه ۲۸۶ سوره بقره نیز تذکّر داده است که خداوند مهربان هیچ‌کس را، جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. حتّی در برخی آیات بدون اینکه تفاوتی میان زنان و مردان قائل شود مردان و زنان مؤمنی را که دارای ویژگی‌های خاص هستند ولی یکدیگر معرفی می‌کند. «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلاه وَ يُؤْتُونَ الزَّكاه وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ (توبه / ۷۱) مردان و زنان با ایمان، ولی و یاور یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند، به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده‌اند: بعد از آن تذکر و بیان حال منافقین، اینک قرآن حال عامه مؤمنین را بیان می‌کند و می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند»، تا منافقین بدانند، مردان و زنان مؤمن با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند، و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده‌دار می‌شوند، و هر کدام اجازه دارند دیگری را به معروف امر و از منکر نهی نماید. این اجازه بخاطر ولایت داشتن آنها در امور یکدیگر است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۹ / ۴۵۵)

در آیات دیگری ازجمله سوره توبه آیه ۷۲ رضوان الهی را که فوز عظیم است هم نصیب زنان و هم مردان مؤمن برمی شمرد «وعَدَ الله المؤمنین و المؤمنات جناتٍ تجري ... و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم» (توبه / ۷۲) خداوند به مردان و زنان با ایمان وعده بهشت می‌دهد و در پایان آیه متذکّر می‌شود که خشنودی و رضایت الهی از این مردان و زنان مؤمن برتر از همه آن نعمت‌هاست، بلکه رستگاری بزرگ است.

در هیچ آیه‌ای، برتری برای مردان به لحاظ جنسیت ذکر نشده است و تلاش انسان‌ها در طول زندگی دنیوی برای برخورداری از فکر سالم و رفتار پسندیده، ملاک رستگاری و قرب الهی است. مانند سوره نور آیه ۳۱ شرط رستگاری مردان و زنان مؤمن را به طور مشترک بازگشت به سوی خداوند برمی‌شمرد. قرآن توجّه ویژه‌ای به کیفیت عمل دارد و بسیاری از روایات نیز مؤید این حقیقت هستند. (ر.ک: ابن‌بابویه، بی‌تا: ۲ / ۳۴) حتّی در روایات معصومین تأکید شده است که کوشش در کیفیت و چگونگی انجام عمل بسیار بهتر از تلاش در کمیت و مقدار عمل است و کیفیت عمل است که سبب ارزشمندی آن است نه کمیت. (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ۲ / ۲۲۳)

۴. خرافه‌گرایی در تبیین گزاره‌های دینی

خرافه در لغت به امر موهوم و غیرواقعی اطلاق می‌گردد و خرافات عبارتند از مجموع اعتقادات یا رفتارهای ناشی از نادانی، ترس از ناشناخته‌ها، درک نادرست برخی علّت و معلول‌ها و مانند آنها. (ر.ک: عمید مدخل خرافات) خرافات نه مبنای علمی دارد و نه عقلی و نه شرعی بلکه خود، سدّ بزرگی دربرابر عقلانیت به شمارمی رود. در برخی کتاب‌های لغت نیز از آن به‌عنوان دروغی که جذّاب و شنیدنی است یادشده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۲ / ۲۵۲) برخی خرافات را ویژگی طبیعی و رفتار غیرقابل اجتناب بشر برای هماهنگی یا برخورد با وضعیت‌های زندگی می‌دانند. (Foster, 2009: 31-37)

غیرمنطقی بودن و جاهلانه بودن ویژگی اساسی و مشترک باورهای خرافی است؛ قرآن کریم می‌فرماید:

> أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا. (فرقان / ۴۴)
> آیا گمان داری بیشترشان می‌شوند یا می‌اندیشند؟ آنان مانند چهارپایان بلکه گمراه‌تراند.

در آیات پرشمار دیگری نیز خداوند انسان‌ها را به منش علمی و عقلانی، توأمان توصیه می‌کند. این آیات یا دارای محتوای هستی‌شناسانه (بقره / ۱۶۴) و یا دارای مضمون خودشناسانه هستند؛ مانند (مؤمن / ۶۷) و یا اینکه به تاریخ و عبرت‌های تاریخی پرداخته است (عنکبوت / ۳۵؛ یوسف / ۱۱۱ ـ ۱۰۹) که در تمام آنها عقل، محور فهم و استنتاج صحیح است.

حدیثی نقل شده است با این مضمون که «شومی در سه چیز است: مرکب، زن و خانه امّا شومی زن‌گرانی کابین و دشواری زایش است و امّا در مرکب، بیماری فراوان و بدخوئی آن است و امّا شومی خانه در تنگی آن است و پلیدی همسایه‌هایش». (مجلسی، بی‌تا: ۸ / ۱۴۳) براساس همین حدیث برخی افراد و وجود زن را شوم و نحس دانسته‌اند و از آن برای تکبر خود و تحقیر بانوان استفاده می‌نمایند. اولین نکته در این رابطه این است که آیا عقل می‌پذیرد که خداوند موجودی بیافریند که اساسا شوم باشد؟! (ر.ک: ملاصدرا، ۱۴۱۰ ق: ۱ / ۳۴۰) و نکته دوم اینکه، به نظر می‌آید این افراد فراموش کرده‌اند، که حضرت فاطمه‌ﷺ نیز یک زن است. حدیثی وارد شده که خداوند می‌فرماید اگر فاطمه‌ﷺ نبود هستی را نمی‌آفریدم؛ عقلاً نمی‌توان پذیرفت هستی برای وجودی شوم آفریده شده باشد. اگر گفته شود حضرت فاطمه‌ﷺ مستثنی است نقل کلام می‌شود به بانوان دیگری چون آسیه که در قرآن از ایشان نام برده شده است، و همچنین حضرت خدیجه، حضرت مریم، مادران ائمه و هزاران بانوی دیگر که در صدر انسانیت قرار دارند. بنابراین یا حدیث اساساً جعلی است و یا کلمه شوم در اینجا به معنای نحس بودن نیست بلکه در معنای سختی و رنج است که زن به خاطر بارداری آن را تحمّل می‌کند و سپس به اجر عظیم مادر شدن و پاکی و طهارت از گناه می‌رسد. (بروجردی، بی‌تا: ۲۵ / ۵۲۱) و یا به خاطر زیادی مهریه‌اش رنج و سختی به همسرش وارد می‌شود که مکروه است.

متأسفانه خرافات در بسیاری از حوزه‌های عقیدتی تشیع راه یافته که برای اثبات سخن، نمونه دیگری از عقاید خرافی آورده می‌شود: برخی می‌گویند فقط شیعه بودن یا محبّت ورزی به امیرالمؤمنان‌ﷺ یا گریه بر امام حسین‌ﷺ بدون هیچ عبادت و طاعت دیگری موجب سعادت و قرب الهی است، امام باقرﷺ با یک روایت، این‌گونه خرافات را باطل و شاهراه حقیقت را به شیعیان نشان می‌دهند:

> افکار و عقاید باطل، شما را منحرف نسازد، بدانید یگانه راه سعادت و نجات اطاعت خداست. (کلینی، بی‌تا: ۳ / ۱۱۸)

بنابراین اگر مبادی سخن غیرمستدل یا متناقض با واقعیت باشد؛ آن سخن موهوم و خرافه است و هیچ‌گاه نمی‌توان با چنین درکی به حقیقت نائل شد و واقعیت را بدست آورد. برخی ازاین‌روایات از اساس جعلی‌اند و برخی نیز با توجه به حقایق، نیازمند تاویل و تفسیر متخصصین‌اند.

۵. بیان روایت تقطیع شده

یکی از مشکلات در فهم و تفسیر حدیث، بی‌توجّهی در اجماع احادیث و تقطیع آن است. عقل سلیم برای نتیجه‌گیری و صدور حکم چه از طریق قیاس باشد یا تمثیل و یا استقرا، نیازمند مقدمات کافی و رعایت

شرایط لازم برهانی است۱. (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ ق، الباب الخامس، مباحث استدلال) توجه به یک حدیث و بی‌توجهی به روایات دیگر و یا تقطیع حدیث و بیان بخشی از آن، نتیجه شتابزدگی در استنباط یا سوءاستفاده از کلام معصوم‌علیهم‌السلام است.

روایات متعددی گزارش شده است مبتنی بر اینکه زنان بسیاری به جهنّم می‌روند مانند روایت امام باقرعلیه‌السلام که فرموده‌اند: «نجات یافتگان از مردان کم‌اند و از زنان کمتر و کمتر.» بیان روایت تقطیع شده تأثیر کاملاً متفاوتی از بیان روایت به طور کامل دارد. در ادامه روایت، سؤال از فرزند رسول خداست که چرا چنین است و حضرت فرمودند: «چون زنان هنگام خشم کافر و در وقت خشنودی مؤمنند.» بیان کامل روایت، معلوم می‌سازد رفتار نادرست کفر در هنگام خشم، سبب فاصله گرفتن از سعادت است نه جنسیت. روایت امام باقرعلیه‌السلام مفهومی تحذیری دارد که اهمیت کنترل خشم را بیان می‌دارد، در هر صورت هر کسی که در خشم مبتلا به کفر گردد از رحمت الهی دور می‌گردد. اما اینکه چرا روایت حکم را در مورد زنان بیان کرده کاملاً روشن است که به سبب صدور حدیث و شرایط جامعه برمی‌گردد.

حدیث دیگری از امام علی‌علیه‌السلام وارد شده که برخی آن را دستاویز نادانی و عدم‌مشورت با زنان قرار داده‌اند، با این مضمون «ایاکُ و مشاوره النساء: از مشورت با زنان بپرهیز». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۰ / ۲۵۳) این حدیث نیز اغلب به شکل تقطیع شده بیان می‌گردد. در ادامه حدیث مولا فرموده‌اند: «الّا من جرّبت بکمال عقله: مگر زنی که کمال عقل او آزموده شده باشد.» به عبارت دیگر با افراد عاقل و مطمئن مشورت کن زن باشد یا مرد زیرا احادیث بسیار دیگری نیز وارد شده است که از مشورت با بخیل، ترسو، فاسق و غیره بر حذر باش، چه مرد باشد، چه زن.

۶. بی‌توجهی به سیره معصومین‌علیهم‌السلام

بسیاری از اندیشمندان اسلامی فلسفه وجود و نیاز به امام پس از پیامبر را ادامه تفسیر و تبیین دین توسط معصوم می‌دانند. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۶: ۱۸۳ ـ ۱۷۹) بنابراین در آیاتی که بطور مجمل بیان شده است و یا در نگاه اول با آیات دیگر همخوانی ندارد باید به سنت معصوم‌علیهم‌السلام مراجعه نمود و تفسیر دقیق را تبیین نمود و از تشتت و گمراهی در فهم پیام الهی مصون ماند. بنابراین به حکم عقل چنانچه روایتی مشاهده گردید که با سیره معصوم‌علیهم‌السلام اعم از رفتار و گفتار در تناقض بود می‌توان گفت روایت دارای خدشه و اشکال است.

آیه «وَاللّاتِي تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي المَضاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَ فَإِنْ أَطَعْنَكمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا؛ (نساء / ۳۴) و (امّا) آن دسته از زنان را که از طغیان و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر

واقع نشد) در بستر از آنها دوری کنید؛ و (اگر آن هم مؤثر نشد و راهی جز شدّت عمل نبود) آنها را تنبیه نمایید، واگر از شما پیروی کردند، به آنها تعدّی نکنید.» به‌نظر می‌رسد آیه با دیگر فرامین الهی در تناقض است زیرا اولاً تنبیه بدنی در شرع مقدس اسلام جایز نیست و در صورت آسیب‌رسانی، فرد موظف به پرداخت دیه می‌باشد. دیگر اینکه چگونه ممکن است اسلام به مردان اجازه دهد که در مورد زنان متوسّل به تنبیه بدنی شوند و آنان را بزنند، درحالی‌که این امر با کرامت انسان مخصوصاً انسانی که شریک زندگی او است هماهنگ نیست.

علاوه بر اینکه اندیشمندان معتقدند امر در آیه مورد نظر اباحه است، نه وجوب و استحباب. (ر.ک: مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۶۷۹) مراجعه به سیره معصوم‌علیهم‌السلام مفهوم «ضرب» را در آیه مشخص می‌سازد.

رسول اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «أ یضرب أحدکم امرأته کما یضرب العبد ثمّ یضاجعها في آخر الیوم؟ یعنی آیا کسانی از شما هستند که مانند برده خدمتکار، زن خود را می‌زند، آخر روز هم با او همخوابه شود؟ استفهام در این جمله استفهام انکاری است؛ کنایه از قبیح بودن این رفتار. (خسروانی، ۱۳۹۰ ق: ۲ / ۱۹۹)

در حدیث دیگری نیز آمده است. «الضَّرْبُ بِالسِّوَاک وَ شِبْهِهِ ضَرْباً رَفِیقاً» (امام رضاعلیه‌السلام، ۱۴۰۶ ق: ۲۴۵)

حدیث عقلاً مورد قبول است زیرا زدن باید بیانگر ناراحتی شدید باشد نه ضرب و جرح که در نص گزاره‌های دینی گناه محسوب می‌گردد و مرتکب آن باید دیه بپردازد.

پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله پس از خاکسپاری سعد بن معاذ فرمودند عذاب قبر بر سعد اصابت کرد. مردم سوال نمودند با (جنازه) سعد بن معاذ کاری کردی که برای هیچ‌کس نکردید، چگونه او را عذاب قبر گرفت؟ پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند او (سعد) با خانواده‌اش تند بود. (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۱۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴۱) و فرمودند بدترین مردم، مردِ سخت‌گیر بر خانواده است. (سیوطی، ۱۴۰۱ ق: ۲ / ۷۷) مبرهن است که پیامبر، قرآن ناطق است؛ وقتی فردی مثل معاذ با آن مقام بخاطر تندی رفتار با خانواده مبتلا به عذاب قبر می‌شود و حکم اسلامی هم که ضرب و جرح را حرام و مشمول دیه می‌داند می‌توان نتیجه گرفت که زدن در آیه همان معنای ابراز ناراحتی شدید را دارد و حدیث زدن با چوب مسواک تایید می‌شود.

حکایت دیگری در سیره پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است بدین مضمون که ابوعبدالله جدلی از عایشه سوال می‌کند که پیامبر با خانواده‌اش چگونه بود؟ جواب شنید: نیک خوترین مردمان بود، دشنام نمی‌داد و بدزبان نبود، اهل هیاهو و داد و فریاد در کوچه و بازار نبود و بدی را با بدی جبران نمی‌کرد، می‌بخشید و گذشت می‌کرد. (اندرزیان، ۱۳۹۵: ۷۳)

در سیره گفتاری و رفتاری پیامبر به اندازه‌ای توصیه به خوش‌رفتاری در زندگی، خصوصا مرد نسبت به زن، وجود دارد که بخوبی بطلان گزاره‌های مبنی بر بی‌احترامی و تندخویی با همسر روشن است.

برخی بزرگان نیز معتقدند آیه درصدد بیان وظیفه حاکم در مسئله است با این بیان که: «خطاب در «و اللّاتي تخافون» با محکمه است چنان‌که در آیه بعد می‌فرماید: «فَابْعَثُوا حَكماً مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكماً مِنْ أَهْلِها؛ و چون خطاب با حاکم است پس شأن و حقّ حاکم است که زن را نصیحت کند تا از همسرش اطاعت نماید و چنانچه تمکین نکرد، بمرد دستور دهد که از او در بستر کناره گیرد تا شاید این بی‌اعتنائی سبب تنبیه و اصلاح زن شود، و اگر از این راه توفیقی بدست نیامد؛ محکمه حقّ دارد دستور دهد زن را برای عدم‌تمکین بزنند، و زدن حقّ شوهر نیست و اگر کسی به‌ظاهر آیه تمسّک کند و بگوید، مخاطب طبق ظاهر آیه مسلمانان متأهل هستند، سخن درستی نگفته است زیرا در آیه، حدّ سرقت و زنا و قذف نیز مخاطب جمیع مسلمانان است: «السَّارِقُ وَ السَّارِقَه فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُما» و نیز «الزَّانِيَه وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَه جَلْدَه» و هکذا «وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا الي فَاجْلِدُوهُمْ ثَمانِينَ جَلْدَه» آیا در این‌گونه موارد خود انسان بدون إذن حاکم می‌تواند حدّ جاری کند؟ یا هرکجا که منافق و یا مشرکی یافت، گردنش را بزند و بگوید قرآن می‌فرماید «اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» پر واضح است که خطاب با حاکم است، و مرد باید در صورت نشوز زن به دادگاه شکایت کند و مسئولین امر شکایت او را بررسی و در صورت صحت زن را احضار نموده و طبق آیه شریفه عمل کنند. (ابن‌بابویه، ۱۳۶۷: ۵ / ۲۱۶)

۷. غفلت از منش بانوان الگو

منش و رفتار بانوان معصوم مانند حضرت فاطمه‌ؑ و حضرت زینب‌ؑ یکی دیگری از طرق فهم معانی حدیث در حوزه زنان است. دو روایت مشهور در حوزه بانوان وجود دارد که برخی کژاندیشان از هر دو روایت چنین برداشت کرده‌اند که زنان بهتر است در خانه بمانند و به مردان و فرزندانشان خدمت کنند و به‌هیچ‌وجه در اجتماع حضور نیابند و در امورات مالی و مانند آنان همسران یا مردان دیگری از محارم را وکیل خود نمایند.

روایت اول مبنی بر این است که بهترین چیز برای زنان این است که نه مردی را ببینند و نه مردی آنان را ببیند. (ر.ک: حسن بن فضل طبرسی، بی‌تا: ۱ / ۴۴۶) روایت دوم نیز صفت ترسو بودن را صفتی پسندیده برای زنان برمی شمرد. (ر.ک: هاشمی خویی، بی‌تا: ۲۱ / ۳۰۴)

کنون باید دید بانوان الگو چگونه منشی داشته‌اند؟ طبق روایات حضرت فاطمه‌ؑ می‌دانستند در فاصله کوتاهی پس از رحلت پیامبر، دار فانی را وداع می‌گویند و به پدر بزرگوارشان ملحق می‌گردند، اما وقتی خبر غصب فدک به ایشان داده شد علی‌رغم بیماری و اندوه شدیدی که در فراق پدر داشتند، به همراه جمعی از بانوان به مسجد رفتند و با شجاعت سخنرانی نموده از حق خود دفاع کردند. اگر معنای حدیث، حصر زن در منزل است، آیا حضرت زهراؑ سزاوارترین فرد برای توصیه رسول‌الله نمی‌باشند؟

و حضرت علی‌ﷺ را برای احقاق حق خود می‌فرستادند و خود در خانه می‌ماندند؟! علاوه بر این عمر کوتاه حضرت زهراﷺ مجال استفاده از فدک را به او نمی‌داد پس چرا بانوی عزیز اسلام با حضور در مسجد در جمع صدها مرد به سخنرانی پرداختند؟

مسلم است که ایشان با دفاع مستقیم از حقشان درس بزرگی به عالم دادند که بین زن و مرد در احقاق حق فرقی نیست و زنان نیز با حفظ حدود می‌توانند مدافع حقوق خود باشند. مقصود حدیث هم، عزلت و گوشه‌نشینی بانوان نیست. شجاعت حضرت زینبﷺ و ترک همسر و خانواده برای همراهی با امام زمانشان، امام حسینﷺ به‌عنوان امام زمانشان، و رفتن به کربلا نمونه دیگری از حضور بانوان اسوه اسلام است. پس ترسو بودن در حدیث به معنای ترس از کسی یا چیزی نیست و همچنین به معنای محصور بودن در خانه نیست بلکه همان‌گونه که در احادیث دیگر نیز بیان شده است به معنای احتیاط و حفاظت از آبرو است؛ خصوصا در ارتباط با نامحرم. (ر.ک: همان)

۸. نفوذ روایات جعلی

یکی از روش‌های دشمن برای نفوذ در فرهنگ اسلامی، جعل روایت تضعیف و تحریف آن است. این روش از زمان پیامبر آغاز شده و همچنان ادامه دارد بدین جهت معصومینﷺ در جواب به این سوال که اگر روایتی به ما رسید که مخالف قرآن بود چه کنیم؟ فرموده‌اند آن را رها کنید. (کلینی، بی‌تا: ۱ / ۸۹)

برخی روایات جعلی در زمان ائمهﷺ شناسایی و پاسخ داده شده‌اند اما همچنان رایج و مورد قبول برخی از خواص و عوام هستند. بنابراین باید بررسی نمود که عوامل پذیرش و گسترش این روایات جعلی چیست؟

الف) علل پذیرش و گسترش روایات جعلی

هدف از انجام جعل روایت، جایگزینی منش‌های منفعت‌طلبانه بر شیوه‌های حق‌گرایانه است، بنابراین یکی از نکات مهم در نفوذ و استحاله فرهنگی، بررسی هنجارهای و بسترهایی است که موجبات پذیرش اسرائیلیات را فراهم می‌آورد.

یک. فقر معرفتی

جاهلیت به هر شکل آن، مدرن باشد یا سنتی، بهترین بستر برای نفوذ عقاید ناخودی است تا جایی که تبیین و تفسیر معصوم را نیز به حاشیه می‌برد. روایتی نقل شده است مبنی بر اینکه بهره زنان از انسانیت به اندازه یک دنده مرد است. خلقت او تبعی و تنها وظیفه‌اش خدمت به مرد و فرزندآوری است. علاوه بر اینکه عقل، روایت مذکور را برنمی‌تابد؛ با معارف قرآنی، روایی و علمی نیز در تناقض است، اما همچنان

روایت مذکور به سبب جهل و ناآگاهی در افواه خواص و عوام می‌گردد و موجبات بی‌قراری و رویگردانی قشر عظیمی از زنان و جوانان را فراهم می‌آورد.

قرآن کریم به صراحت بیان کرده است که خاستگاه و منشاء آفرینش زن و مرد یک چیز است. «یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکمُ الَّذِي خَلَقَکمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَه وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها؛ (نساء / ۲) ای مردم نسبت به پروردگارتان متقی باشید، پروردگاری که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرانتان را هم از همان نفس آفرید. ...»

روایت امام صادق‌علیه‌السلام در رد حدیث مذکور بسیار صریح و روشن است. شخصی از امام صادق‌علیه‌السلام درباره خلقت حوّا سوال می‌کند و می‌گوید مردمی در منطقه ما معتقدند خداوند عزّ و جلّ حوا را از دنده چپ آدم آفرید آیا چنین است؟ امام‌علیه‌السلام می‌فرمایند خدا بسیار برتر است از این‌گونه خلق کردن. سپس در ادامه می‌فرمایند کسانی که قائل به این عقیده هستند راه را برای هرزه گویان باز می‌کنند که خدا توان نداشت انسان مستقل دیگری بیافریند پس حوا را از دنده آدم آفرید. دیگر اینکه اگر حوا از دنده آدم است پس آدم وقتی او را به همسری گرفت با پاره‌تن خود همبستر شده است. (ابن‌بابویه، بی‌تا: ۵ / ۴)

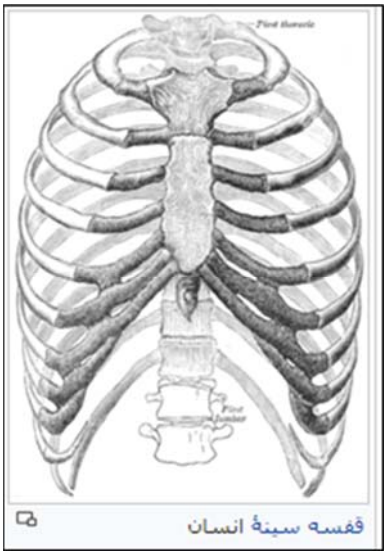

علم تجربی نیز حدیث مذکور را که در آن گفته شده مردان به‌دلیل آفرینش زنان از دنده چپشان، یک دنده در طرف چپ کم دارند و زنان یک دنده بیشتر دارند را رد کرده است. در آناتومی بدن انسان مشخص است که هر انسانی بیست و چهار دنده دارد دوازده دنده در طرف راست و دوازده دنده در طرف چپ و فرقی بین زن و مرد در تعداد دنده‌ها نیست. (www.e-anatomy.ir) توجه به مسائل علمی در رد این دسته از روایات در برخی کتب معتبر روایی نیز مورد توجه قرارگرفته است. (ابن‌بابویه، بی‌تا: ۵ / ۷ ـ ۵)

فقرمعرفتی فقط نداشتن اطلاعات علمی حداقلی نیست بلکه نداشتن روحیه انتقادی و عقل‌گرایانه است که سبب پذیرش هر مسئله‌ای به اسم تعبد یا روشنفکری می‌شود. چنین افرادی با وابستگی فکری مسائل را می‌نگرند و همان‌گونه که گذشت کوچک‌ترین تلاشی برای فهم واقعیت نمی‌کنند؛ درحالی‌که جعلی بودن برخی روایات به سادگی قابل کشف است.

دو. هنجارهای عصر جاهلیت

کانت از فیلسوفان بزرگی است که معتقد است انسان‌ها با توجه به پیشفرض‌های ذهنی خود می‌بینند،

می‌شنوند و درک می‌کنند. (کانت، ۱۳۷۰: ۱۶) و عقل‌گرایی یعنی دورشدن حداکثری از این پیشفرض‌ها و کشف واقعیت‌ها و حقایق همان‌گونه که هستند.

طبق مستندات تاریخی، تفکر رایج در عصر جاهلیت نه تنها در جزیرةالعرب بلکه در سراسر گیتی نسبت به زن مبتنی بر حقارت وی بوده و در هیچ شأنی از شئونات زنگی صاحب رأی و استقلال نبوده است. زن در پایین‌ترین سطح شهروندی تابع و خدمتکار مرد بوده که نه تنها ارث به او تعلق نمی‌گرفته بلکه خودش مانند کالا به ارث برده می‌شده است. (مطهری، بی‌تا: ۱۹ / ۲۳۵ ـ ۲۰۳)

این پیش‌فرض‌های فکری به اندازه‌ای عمیق و قوی بوده است که بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلامﷺ فدک را که پیامبرﷺ در زمان حیات به دختر گرامیشان بخشیده بودند به راحتی غصب کردند و مهاجر و انصار هیچ‌یک از حق حضرت زهراؑ دفاع نکردند. (ر.ک: طبرسی، بی‌تا: ۱ / ۲۲۶) بانویی که حضرت رسول در زمان حیات‌شان احادیث متعدد در شأن مرتبت ایشان بیان فرمودند و شادی و اندوه بانو را شادی و اندوه خود دانستند. به‌طور طبیعی در این بستر فکری، جعل و گسترش روایات و تخفیف و تحقیر شخصیت بانوان کار پیچیده‌ای نبوده است.

ب) نفوذ عقاید تحریف شده یهودی ـ مسیحی با برچسب اسلامی

گسترش اندیشه‌های بیگانه با دو شیوه صورت پذیرفت اوّل توسط دشمنان، و با تبلیغ آنها حقانیت اسلام و جاذبه پیامبر موجب گرایش مردم به اسلام گردید و مذاهب دیگر تحت‌الشعاع اسلام قرار گرفتند و سپس برای نفوذ در اسلام و نابود کردن آن از درون، عقاید خود را با نام اسلام بیان کردند تا حق و باطل درهم آمیخته شود و مردم دچار تردید شده و آرام، آرام از اسلام رویگردان شوند.

دوّم توسط دوستان و پیروانی که نسبت به دین خویش فاقد اطّلاعات لازم هستند و به راحتی مجذوب نظریات نفوذی‌هایی که در قالب مردم درآمده‌اند، می‌شوند. (مطهری، بی‌تا: ۲۴ / ۸۷ ـ ۸۵)

هر دو نمونه ذکر شده در صدر اسلام وجود داشت. مخالفان اسلام مبارزه با اسلام را با تحریف آن آغاز کردند و از پیش فرض‌های فرهنگی رایج در جامعه نیز کمک گرفتند. و در حوزه زنان با توجّه به تعصّبات و اعتقادات رایج علیه این قشر جامعه، روایاتی را جعل کردند که بعد از گذشت قرن‌ها هنوز شاهد بیان آن از زبان پیروان ناآگاه و فرصت طلبان خودمحور هستیم؛ ازجمله آنها روایاتی است که مرتبط است به آفرینش تبعی زن از دنده چپ مرد که اعتقادی است یهودی ـ مسیحی و در کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش بیان شده است. «خدا گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق با وی بسازم.» (سفر پیدایش: ۲ / ۱۸) « و خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت، و یکی از دنده

ایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و ...آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد.» (همان: ۲۲ و ۲۱)

سپس شاهد روایاتی با همین مضامین در فرهنگ اسلام هستیم که با هیچ‌یک از مبانی نظری اسلام مطابقت ندارد.

نمونه دوم خوردن میوه ممنوعه توسط حضرت آدم و هبوط از بهشت است. در تورات علت گمراهی حضرت آدم وسوسه شدن توسط زن بیان شده است؛ بدین صورت که شیطان به شکل مار به سراغ حوّا می‌آید، او را وسوسه کرده و دروغ (نعوذبالله) خداوند را مبنی بر نمردن در اثر خوردن آن میوه برملا می‌سازد و حوّا سراغ حضرت آدم رفته او را گمراه می‌نماید. لذا در فرهنگ یهودی ـ مسیحی، زن عامل گمراهی و یاور شیطان است. و احادیث بسیاری نیز با این محتوا جعل گردیده است. (ر.ک: جزائری، بی‌تا: ۷۵)

در زبان عربی تثنیه که نشان دهنده دو نفر است با علائم خاص از مفرد و جمع متمایز است. رجوع به قرآن مشخص می‌نماید هردو مخاطب شیطان بودند و با هم گمراه شدند.

> یا آدَمُ اسْکنْ أَنْتَ وَ زَوْجُک الْجَنَّه فَکلا مِنْ حَیْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هذِهِ الشَّجَرَه فَتَکونا مِنَ الظَّالِمِینَ، فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّیْطانُ لِیُبْدِیَ لَهُما ما وُورِیَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما وَ قالَ ما نَهاکما رَبُّکما عَنْ هذِهِ الشَّجَرَه إِلَّا أَنْ تَکونا مَلَکیْنِ أَوْ تَکونا مِنَ الْخالِدِینَ، وَ قاسَمَهُما إِنِّي لَکما لَمِنَ النَّاصِحِین، فَدَلَّاهُما بِغُرُور ... . (اعراف / ۲۲ ـ ۲۰)
>
> شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را که از اندام هایشان پنهان بود آشکار شود و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرد مگر اینکه دو فرشته می‌شوید یا جاوید می‌گردید، و برای آن دو قسم خورد که نسبت به آن دو خیرخواه است، پس آن دو را فریب داد. ... .

کسانی که خود را برتر از همه می‌دانند و زنان را به طُرُق مختلف تحقیر می‌نمایند این نکته را فراموش کرده‌اند که بازگشت تمام معاصی به تکبّر است و ابلیس هم با استدلال در نوع خلقت، تکبّر ورزید و از درگاه الهی رانده شد. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸ / ۲۸)

۹. بی‌توجهی به فلسفه آفرینش انسان

اسلام توجه ویژه‌ای به روابط همسران و حفظ حریم خانواده دارد. لذا توصیه‌های بسیاری برای همسران وارد شده تا در جهت ساماندهی مطلوب در زندگی خانوادگی به‌کار گرفته شود. (ر.ک: طبرسی، بی‌تا: ۱ / باب آداب نکاح؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۷: ۵ / ۹۳ ـ ۸۶) کتاب‌های بسیاری نیز بر این اساس نگاشته شده است. برخی افراد سفارش‌هایی که به زنان در رابطه با همسر شده است را برجسته‌سازی نموده‌اند و سپس

تفسیر جعلی و نادرست خود را به آن ملحق نموده و به‌گونه‌ای مطالب را ارائه می‌کنند، که گویا مرد در قبال زن فقط وظیفه کنترل کردن و پرداخت نفقه دارد، لکن زن باید تمام توان خود را صرف رضایت مرد و خدمت به وی نماید و مهم‌ترین و ارزشمندترین وظیفه او نیز تمکین است؛ گاهی اگر اجازه بیرون رفتن و یا شرکت در اجتماعات به او داده می‌شود برای این است که با انرژی بیشتر به خدمتگزاری مرد بپردازد و نیازی به افزایش اطلاعات، آگاهی از سیاست و اقتصاد ندارد. علاوه بر اینکه احادیثی از این دست، مخالف احادیث مشهوری چون«طلب العلم فریضه علي کل مسلم و مسلمه» (امام جعفر صادق علیه‌السلام، ۱۳۶۰: ۱۳) و «اطلبوا العلم من المهد الي الحد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۶۸) و آیات پرشماری چون «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض ...» (توبه / ۷۱) می‌باشد؛ توجه به فلسفه آفرینش انسان نیز خطای این نوع افکار و اعتقادات را آشکار می‌سازد.

اسلام کامل‌ترین پیام الهی است که از سوی خداوند برای بشر ارسال گردیده است. هدف از ارسال پیام الهی نیز طبق داده‌های دینی هدایت و راهنمایی بشر برای رسیدن به سعادت و خوشبختی است. سعادت و چگونگی دستیابی به آن در سامانه معرفتی اسلام، مراتب و مراحل مختلفی دارد که افزون بر قرآن و روایات، اندیشمندان در علومِ متاثر از اسلام به آن پرداخته‌اند؛ سعادت در اخلاق اسلامی «عدالت» (ر.ک: ملا احمد نراقی، ۱۳۷۷: ۸۴) از منظر فلسفه رسیدن به کمال وجودی و اتصال به عالم معقولات (ر.ک: ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۹۸) و در عرفان رسیدن به مرتبه تجرد از ماده، لقاءالله و فنای در اوست. (ر.ک: شیخ اشراق، بی‌تا: ۳ / ۶۹)

چگونگی دستیابی به سعادت نیز در یک دسته‌بندی کلی، اطاعت از فرامین الهی«ولیکفیهم طاعته فیستجیبوا بذلک رضوانه: و ایشان را به اطاعتش مکلف نمود تا از این طریق، شایسته رضوان او گردند». (ابن‌بابویه، ۱۹۹۶م: ۱ / ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵ / ۳۱۳) خدمت به خلق «مردمان همگی عیال خداوندند پس محبوب‌ترین افراد در نزد خداوند، نیکوترینشان نسبت به عیال خداوند است». (امام جعفر صادق علیه‌السلام، ۱۳۶۰: ۸۸) پیروی از حق و عدالت «به راستی خداوند عز و جل ایمان را بر چهار ستون نهاده، صبر و یقین و عدالت و جهاد». (کلینی، بی‌تا: ۴ / ۱۶۳) است.

بنابراین زن و مرد هر دو وظیفه دارند در جهت ارتقاء وجودی و رسیدن به قرب الهی تلاش کنند و در این راه با ایجاد آرامش و نشاط، یاریگر هم باشند. رابطه مردان و زنان باایمان باید دور از تکبر و غرور باشد خصوصا همسران که باید رابطه‌ای صمیمانه و محبت‌آمیز داشته باشد؛ تا یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر نمایند. «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلاه وَ يُؤْتُونَ الزَّكاه وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِک سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: (توبه / ۷۱) و مردان و

زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارنـد، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

نتیجه

اگر چنانچه هنجارهای جامعه در مورد بانوان مبتنـی بـر ارزش‌هـای حقیقـی اسـلام نباشـد سـبب نفـوذ اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی می‌گردد و به مرور بستر رویگردانی از دین را در آنان فـراهم مـی‌آورد و از سوی دیگر اگر رواج هنجارهای ضد ارزش درنتیجه تبیـین نادرسـت گـزاره‌هـای دینـی باشـد، دسـتاویز دشمنان برای مبارزه با اسلام و معرفی آن بـه‌عنـوان مـذهبی غیرمنطقـی و ضـد زن مـی‌شـود. بررسـی آسیب‌های تبیین گزاره‌های دینی در مقاله حاضر می‌تواند به پیرایش عقاید زن ستیزانه بیانجامد.

روایات جعلی و برداشت‌های ناصحیح از گزاره‌های دینی در حـوزه زنـان بسـیار اسـت. ارائـه روشـی عقلانی و منطقی در مواجهه با گزاره‌های دینی خصوصا در حوزه زنان برای تبیـین حقیقـت و بـازداری از فهم ناصحیح گزاره‌های دینی، ضروری است و درصد پرشمارتری از مردم را در برابر کژفهمی و باورهـای ناراست تسلیح می‌نماید.

مهم‌ترین آسیب‌ها در تبیین نادرست گزارهای دینی از منظر عقل منطقی ۱. غفلت از شرایط موضـوع در حکم قضیه حقیقه ۲. بررسی روایات منفک از سبب صدور ۳. نادیده انگاری مطابقت با قرآن ۴. خرافـه گرایی در تبیین گزاره‌های دینی ۵. بیان روایت تقطیع شده ۶. بی‌توجهی به سیره معصومین﵈ ۷. غفلـت از منش بانوان الگو ۸. نفوذ روایات جعلی و ۹. بی‌توجهی به فلسفه آفرینش انسان می‌باشد.

پی‌نوشت

راه‌های استدلال یا اقسام برهان سه دسته هستند: قیاس، تمثیل و اسـتقرا. (محمدرضـا مظفـر، ۱۴۰۸ ق: ۲۰۱ و ۲۰۲) بنابراین در منطق استقراء از انواع استدلال و برهان شمرده شده است.

سه نواع استقراء و شرایط آن

۱. استقرایی که تنها بر مشاهده مبتنی است: در این نوع استقراء، انسـان پـس از مشـاهده اینکـه برخـی جزئیات یا بیشتر آنها، وصف واحدی دارند، نتیجه می‌گیرد که این وصف برای همه جزئیات ثابـت اسـت. مانند استقراء صفات و خصوصیات حیوانات. در این نوع باید تعداد جزئیات بررسی شـده آنقـدر باشـد کـه برای پژوهشگر ظن نزدیک به یقین حاصل شود.

۲. استقرایی که علاوه بر مشاهده، بر تعلیل نیز مبتنی است. بدین صورت که پس از مشاهده برخی از جزئیات، پژوهشگر به‌دنبال علت ثبوت آن وصف است و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که وصف مورد نظر، به خاطر علت یا به جهت خاصیتی که در آن جزئیات وجود دارد، برای آنها ثابت است. و عقل تردیدی ندارد که علت از معلولش جدا نمی‌گردد. در اینجا پژوهشگر استقراء کننده یقین و جزم پیدا می‌کند که آن وصف برای همه جزئیات آن نوع ثابت است. همه اکتشافات علمی و بسیاری از احکام ما بر آنچه مشاهده می‌کنیم از این نوع استقراء است. در این نوع استقراء نیازی نیست که افراد و موارد بسیار بررسی شود. همین‌که به علت برسیم کافی است.

این نوع از استقراء مبتنی بر تعلیل است و در منطق جدید «راه استنباط» یا «راه بحث علمی» نامیده می‌شود.

۳. استقرایی که بر تماثل و تشابه کامل میان جزئیات مبتنی است. در این‌گونه استقراء، بررسی یک مورد جزئی کفایت می‌کند، و این ممکن نیست مگر به جهت شباهت و مماثلت کاملی که در هستی میان جزئیات برقرار می‌باشد.

با توجه به اقسام استقراء، روشن می‌گردد که هر نوع از استقراء شرایط و ضوابط خاص خود را دارد تا به نتیجه برسد. (ر.ک: همان: ۲۶۷ ـ ۲۶۴)

منابع و مآخذ

۱. ابن‌بابویه، محمّد بن علی، بی‌تا، ***معانی الاخبار***، ۲ جلدی، ترجمه عبدالعلی محمّدی شاهرودی، تهران، دارلکتب الاسلامیه.

۲. ابن‌بابویه، محمّد بن علی، ۱۳٦۷، ***من لا یحضره الفقیه***، ٦ جلدی، ترجمه علی اکبر و محمّدجواد غفاری و صدربلاغی، تهران، نشر صدوق.

۳. ابن‌بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی، ۱۹٦٦ م، ***علل الشرایع***، ۲ جلدی، قم، کتاب فروشی داوری.

٤. ابن‌بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی، ۱٤۰۸ ق، ***علل الشرائع***، بیروت، دار احیاء التراث.

۵. امام جعفر صادق علیه‌السلام، ۱۳٦۰، ***مصباح الشریعه***، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

٦. امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، ۱٤۰٦ ق، ***الفقه*** [المنسوب الی الامام الرضا علیه‌السلام]، مشهد، مؤسسه آل‌بیت علیهم‌السلام.

۷. اندرزیان، امر الله، ۱۳۹۵، ***خانواده موفّق***، قم، ابتکار دانش.

۸. بروجردی، آقا حسین، بی‌تا، ***منابع فقه شیعه*** (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ۳۱ جلدی، محقق جمعی از فضلاء، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.

۹. حرعاملی، محمّدبن حسن، ۱٤۰۹ ق، ***وسائل الشیعه***، ۳۰ جلدی، محقق مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۱۰. خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰ق، تفسیر خسروی، چ اوّل، تهران، اسلامیه.

۱۱. خمینی رحمه‌الله، روح‌الله، بی‌تا، ***صحیفه امام***، ۲۱جلدی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.

۱۲. جزائری، نعمت الله بن عبدالله، بی‌تا، ***قصص الانبیاء***، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، انتشارات فرحان.

۱۳. جوادی آملی (علامه)، عبدالله، ۱۳۹۱، ***مفاتیح الحیاه***، قم، مرکز نشر اسراء.

۱٤. سبحانی (آیه‌الله)، جعفر و محمّد محمّد رضایی، ۱۳۹٦، ***اندیشه اسلامی۲***، قم، دفتر نشر معارف.

۱۵. سهرودی، شهاب الدین (شیخ اشراق)، بی‌تا، ***مجموعه مصنفات***، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۱٦. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، ۱٤۰۱ ق، ***الجامع الصغیر***، بیروت، دار الفکر.

۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹، ***نهج‌البلاغه***، ترجمه علی‌نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.

۱۸. صلیبا، جمیل و منوچهر صانعب دره بیدی، بی‌تا، ***فرهنگ فلسفی***، تهران، انتشارات حکمت.

۱۹. طباطبائی، محمّد حسین، ۱۳۷٤، ***تفسیر المیزان***، ۲۰جلدی، ترجمه محمّد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.

۲۰. طبرسی، احمد بن علی، بی‌تا، ***الاحتجاج***، ۲جلدی، ترجمه بهراد جعفری، تهران، اسلامیه.

۲۱. طبرسی، حسن بن فضل، بی‌تا، ***مکارم الاخلاق***، ۲ جلدی، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی.

۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱٤۱۰ ق، ***کتاب العین***، قم، انتشارات هجرت.

۲۳. کلینی، محمّد بن یعقوب، بی‌تا، ***اصول الکافی***، ٦جلدی، ترجمه کمره‌ای، قم، اسوه.

۲٤. کانت، ایمانوئل، ۱۳۷۰، ***تمهیدات***، ترجمه غلامعلی حداد عادل، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۲۵. مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی، بی‌تا، ***آسمان و جهان*** (ترجمه کتاب السماء و العالم بحارالانوار)، ج ٥٤، ترجمه محمّد باقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه.

۲٦. مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی، ۱٤۰۳ ق، ***بحار الانوار***، ۱۱۱ جلدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۷. مقدّس اردبیلی، احمدبن محمّد، بی‌تا، ***زبده البیان فی احکام القرآن***، محقق محمّدباقر بهبودی، تهران، مکتبه المرتضویه، چ اوّل.

۲۸. مظفر، محمدرضا، ۱٤۰۸ ق، ***المنطق المظفر***، قم، مهدیه.

۲۹. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)، محمّدبن ابراهیم، ۱٤۱۰ ق، ***الحکمه المتعالیه فی الاسفار عقلیه الاربعه***، ۹ جلدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳۰. ملاصدرا (صدر الدین شیرازی)، محمّد بن ابراهیم، ۱۳٦۲، ***منطق نوین***، ترجمه عبد الحسین شکوه الدینی، تهران، آگاه، چ اوّل.

۳۱. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)، محمّدبن ابراهیم، ۱۳٦۳، ***مفاتیح الغیب***، مصحح محمّد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۳۲. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)، محمّدبن ابراهیم، ۱۳۸۲، ***الشواهد الوبوبیه فی المناهج السلوکیه***، قم، بوستان کتاب.

۳۳. نراقی، ملااحمد، ۱۳۷۷، ***معراج السعاده***، چ پنجم، قم، هجرت.

۳٤. وجدی سیس، فاطمه و سیدرضا مودب، ۱۳۹٦، «آسیب‌شناسی فهم روایات مربوط به خانواده»، ***مطالعات زن و خانواده***، دوره ۵، ش ۱.

۳۵. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، بی‌تا، ***منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه***، ۲۱ جلدی، ترجمه حسن حسن زاده آملی و محمّدباقر کمره‌ای، تهران، مکتبه الاسلامیه.

۳٦. هلالی، سلیم بن قیس، بی‌تا، ***تاریخ سیاسی صدر اسلام***، ترجمه محمودرضا افتخار زاده، تهران، رسالت قلم.

37. Foster, Kevin R. & Hanna, Kakka, 2009, ***Theevolutionof superstitious and superstition-like Behavior***, Proc. R. Soc. 276, p. 31-37.